

# یون فوسہ

دختر با بارانی زرد  
و نہ نمایشنامہ دیگر

محمد حامد



انتشارات شہانگ

■ سرشناسه: یونس، ۱۹۵۱ - Fosse, John ■ عنوان و نام پدیدآور: دختر با  
بارنی زرد و نه نمایشنامه دیگر / یونس فوسه؛ ترجمه محمد حامد ■ مشخصات نشر:  
تهران: سپاهنگار، ۱۴۰۰ ■ مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص.؛ ۱۲/۵ × ۲۱/۵ س.م.  
■ شابک: ۱ - ۲۶۷ - ۱۳۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸ ■ وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
■ یادداشت: کتاب حاضر ترجمه Jente i gul regnjakke و نه نمایشنامه دیگر از  
یونس فوسه است. ■ موضوع: نمایشنامه نروژی - قرن ۲۰ م. ■ موضوع:  
Norwegian Drama - 20<sup>th</sup> Century ■ شناسه افزوده: حامد، محمد - ۱۳۳۲ -  
مترجم. ■ رده‌بندی کنگره: ۲۶ / ۹۵۱ PT ■ رده‌بندی دی‌وی: ۳۷۷۲ / ۸۲۹  
■ شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۳۳۳۰

This is a Persian Translation of  
Jon Fosse  
Jente i gul regnjakke  
Translated from Norway to Persian By  
M. Hamed

## یون فوسه

دختر با بارانی زرد

و نه نمایشنامه دیگر

محمد حامد

حروف نگاری میا قربانی - پیشه‌میزی بهرام فرجی

چاپ ناز - صحیفه گلستان

چاپ یکم ۱۳۹۰، شمارگان ۲۵۰ جلد

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۰-۲۶۶-۱

ISBN 978 - 600 - 130 - 267 - 1

عکس روی جلد از آنتون بکشنلم Anton Bäcksholm

عکس پشت جلد از تام آ. کولستاد Tom A. Kolstad

هرگونه نقل و استفاده و اجرا از این نمایشنامه‌ها

بست به اجازتی کتبی ناشر و مترجم است.

ترجمه این اثر با حمایت بنیاد فرهنگی نورلا NORLA

انجام شده است.

حقوق چاپ و نشر این اثر محفوظ است.



انتشارات شاهنگ

مرکز پخش - خیابان انقلاب - خیابان شهدای زندامری - پلاک ۶۰ - تلفن ۶۶۹۴۲۲۳۵ - ۶

فروشگاه ۱ - خیابان انقلاب - روبروی دانشگاه تهران - پلاک ۱۱۹۲ - تلفن ۶۶۹۹۱۰۹۸

فروشگاه ۲ - خیابان انقلاب - خیابان فروردین - ساختمان ناشران - پلاک ۲۷۲ - تلفن ۶۶۹۵۲۶۰۹ - ۱۰

فهرست

چند کلمه

۷

دختر یا بارانی زرد

یک تصویر

۱۱

زمبوکو

۶۱

دریا

۱۰۷

مادر و پسر

۱۵۵

همچنان که نور پایش می‌رود

و همه جا سیاه می‌شود!

۲۰۱

بی لایالی

۲۱۹

سوستا

مونوپولک برای سه بازیگر

۲۷۷

مالیخولیا

۳۲۷

دیر است، خیلی دیر!

۳۶۵

خوابی کوچولوی من؟

۳۹۹

## چند کلمه

در نیمه‌ی آغازین دهه‌ی نود میلادی، یک گروه تئاتر سوئدی، نوشتن نمایشنامه‌ای را، همراه با پیش‌پرداخت ناچیزی به یون فوسه، شاعر و نویسنده‌ی تروژی سفارش داد. یون فوسه تا آن زمان نه تنها هیچ نمایشی ننوخته بود، بلکه حتی هیچ دل‌خوشی هم از تئاتر، به‌خصوص تئاتر سوئد نداشت. از او در آن زمان فقط دو سه رمان، یکی دو مجموعه شعر و داستان کوتاه، و یکی دو کتاب برای کودکان منتشر شده بود. رمان‌های کم‌حجم هلنگر گاه و آگیتار بسته به خاطر فرم تکرار شونده و نثر بدیع و منحصر به فردشان، نام یون فوسه را اینجا و آنجا و در میان اندک‌شماری از روشنفکران و نویسندگان شمال اروپا سر زبان‌ها انداخته بود.

دو هفته بعد، نمایشنامه‌ای کم‌حجم و نحیف، با پشت به دست گروه تئاتر سوئدی رسید. در آن حجم اندک کلمه‌ها و جمله‌ها، که به‌صورت شعر، زیرهم زیرهم نوشته شده بود، چه سیر و جادویی نهان بود که فیتلوی الفجار را در ذهن آن جمع کوچک تئاتری کبریت زد؟ گروه تئاتر نمایشنامه را روخوانی کرد و درجا تصمیم به اجرائش گرفت. چیزی در این نمایشنامه بود که تا آن روز در تئاتر مرسوم نبود و آنچه بود به‌ظرف نو و نازه می‌آمد. کلیشه‌های متداول گذشته را کنار گذاشته بود و در حالی که از شخصی‌ترین حالات و احساسات آدمی سخن می‌گفت، پرسش‌های بزرگ و بنیادین را در مقابل مخاطب قرار می‌داد. این نمایشنامه اولین اثری است که یون در ۱۹۹۶ میلادی برای

صحنه نوشت و به دنبال آن تا همین اکنون، ۲۰۲۱ میلادی، بیش از سی اثر نمایشی از او منتشر شده و این آثار دست کم به چهل زبان زنده‌ی دنیا ترجمه شده است و در صدها شهر جهان بر صحنه رفته است و هنوز و روزبه‌روز، کارگردانان و بازیگران مطرح و خوشنام، برای به صحنه بردن این آثار بخت خویش را در بوت‌های آزمون می‌گذارند. نمایشنامه‌های یون شباهت چندانی با آنچه بر صحنه‌های مرسوم تئاترها به‌نمایش در می‌آمد نداشت، چیزی نو و تازه در جریان بود که کارگردان و بازیگران دغدغه‌مند را به‌دام حسادوی خود گیر می‌انداخت و آنها را به کار روی این متن‌ها و نقش‌ها وامی‌داشت. دبستگی بی‌نظیر دست‌اندرکاران تئاتر به متن‌های کم‌حرف و ساکت و بی‌چیز یون فوسه، و همین‌طور کنجکاری و استعمال پرشور نماشاجیان از اجراها، که یکی به دنبال دیگری بر صحنه‌های شهرهای جهان می‌درخشید، حیرت همگان، حتی خود یون را نیز برانگیخته بود. بخت با یون فوسه دیگر یار شده است. نام یون اکنون در کنار کلاسیک‌هایی همچون شکسپیر و چخوف و ایسن و استریندبرگ و بکت و پینتر... قرار گرفته است. حالا دیالوگ‌های کوتاه و مینیمال و هر دم نحیف‌شونده‌ی یون، جایگاه رفیع گفت‌وگوهای پر طمطراق و دورودراز تئاتر پیش از او را بر کرده است.

مکتب‌ها، مکتب‌های کوتاه، مکتب‌های بلند و مکتب‌های خیلی بلند، نمایشنامه‌های یون فوسه را به سمفونی‌های بی‌صدای سکوت، و تا مرز نیستی و برهوت پیش برده است و کارگردان و هنرپیشه را به چالش وامی‌دارد تا با این نیستی درآمیزد و نوع دیگری از بازیگری را بر صحنه بی‌فلویند که پیش از آن مرسوم نبوده است. در این متن‌ها چیزی غنوده بود که اهالی تئاتر را به شور و حال و تلاش و دست‌وپنجه نرم کردن با خود و نقش خود وادار می‌کرد.

یون فوسه در سال ۱۹۵۹ در غرب نروژ به دنیا آمد، دوران کودکی را در ساحل دریا قد کشید و بالید و در برگن به مدرسه و دانشگاه رفت و جامعه‌شناسی و فلسفه خواند. روح طبیعت برگن، با پاییزها و

زمستان‌هایش، با تابستان‌ها و باران‌های بکریش، با آن دریا و موج‌هایش، و آن آسمان سراسر لبرش، و آن کوه‌ها و آبدرده‌هایش، و خلیج‌ها و دریاچه‌هایش، و آن بادها و بادبان‌هایش در آثار یون جوروی به خورد اثر ریخته کرده است که آنها را به سرز شعر محض نزدیک کرده است.

مقتدان صاحب‌نام و محققان بسیاری درباره‌ی یون و آثارش کتاب‌ها و رساله‌های زیادی نوشته‌اند، آنچنان که حجم آنها از آثار خود یون افزون‌تر است. آثار یون فوسه جوایز بسیاری را نصیب او کرده است، از جمله جایزه بزرگ ایسن که دو بار به او تعلق گرفت و هر ساله نام یون فوسه را در صدر نام‌هایی که برای جایزه‌ی نوبل کاندید می‌شوند می‌توان پیدا کرد.

کتاب «دختر با بارانی زرد و نه نمایشنامه‌ی دیگر» در برگرفته‌ی ده نمایشنامه است که نویسنده در طول سی‌سال فعالیت نویسندگی خود، یعنی از نیمه‌ی آغازین دهه‌ی نود میلادی تا به اکنون نوشته است، کنار هم قرار گرفتن این آثار به ما تصویری از روند رشد و تحول کار نمایشنامه‌نویسی او نیز می‌دهد، این آثار که در این کتاب گرد آمده‌اند، تاکنون در ایران ترجمه و منتشر نشده و برای اولین بار است که به دست اندرکاران نشر و علاقه‌مندان نمایش و ادبیات نمایشی تقدیم می‌شود.